

با وجود نا امیدیهای زیاد. روحیات ارتش کمتر از سال اول جنگ نبود. این در نتیجه فداکاری و صمیمیت فرمانده ارتش نسبت به کلیه افراد کشور بود حقیقتاً نفوذ شخصی فرمانده نسبت به افسران و حسن اعتماد و محبتی که در قلوب مادیون نفوذ نموده است، در ردیف اول وسائل تقویت روحیه و منویه بشمار می آید.

فرمانده ارتش ایران در کلیه نبردها وضع و رفتار خویش را هم از حیث شجاعت و هم از حیث رفتار عادلانه و مردانه مورد محبت و علاقه سرانازان داد.

تاریخ نظامی شهادت میدهد که هنگام محاربه نفوذ فرمانده در روحیه عده اش مخصوصاً منوط به وضع و رفتار اوست. کلیه محاربین چشم خود را بهوی دوخته اند هر کاری که او بکند و هر چه که او بگوید کاملاً در وجود زیر دستانش موثر و مسری است. هر اندازه فشار خطر زیاد تر و حالت دماغه عده پریشان تر باشد وظیفه فرماندهان همان اندازه مهمتر میگردد. چون حسن تقلید یکی از آخرین ملکاتی است که علی رغم تهیجات نبرد باقی میماند. لذا در این موارد سر مشق واقمشدن فرمانده یگانه وسیله نجات عده ارتشی است که روحیه آنها در شرف اضمحلال باشد.

ارتش ایران که مدت هشت سال در حوضه رود ارس بسر میبرد از حدت روحیه کمتری از دشمن نبوده و در افواج کسانی بودند که با همان شوق و عزم اولیه برای جانپازی حاضر صف جنگ میشدند. اما اوضاع داخلی کشور روز بروز با انحطاط رفت. مردم

گرفتار فشار مالی شده و اقلیتها در پی استرداد استقلال میگشتند. در جنوب اعراب و هابی از اراضی نجد هر روز بر قوت و شوکت افزوده تا زمین بحرین را بتحت فرمان آوردند و همت بر قتل و غارت مسقط استوار کردند دولت ایران مجبور بود از ساحلوی منطقه فارس عده بدان سمت اعزام داشته محافظت سواحل خلیج فارس را با اعراب مطیع انجام دهد .

در نواحی مشرق در محلهای افغان نشین هر روز عصیانهای مختلف بوقوع میپیوست . در سرحدات شمال شرقی تاخت و تاز تر کمن ها ادامه داشت با وجود این وقایع سیاسی ارتش ایران در مقابل روسها ایستادگی نموده . از ورود آنها به حوضه رود ارس جداً ممانعت نمود .

امسال هم نقشه جنگی فرماندهی ارتش ایران تدافعی بود در اینوقت از جانب دولت عثمانی برای تشدید مبانی اتحاد نظامی سید عبدالوهاب افندی باتفاق شاه کر افندی و حبرت افندی و چهار نفر افسر توپخانه در عشر ثانی ربيع الثانی وارد ایران شده اند در نقشه سری قرار شد که اول تابستان اردوهای ایران و عثمانی بسمت شهر تفلیس تعرض نمایند . چه روسها در جبهه اروپا قشون عثمانی را عقب رانده و در روی رود دانوب معبری جهت عبور ارتش خود احداث نموده بوده اند بناء علیه عثمانیها میخواستند با این تعرض در جبهه آسیا از خودشان را بالنسبه سبکتر نمایند باری در اول تابستان هر دو ارتش ( اردوی شوره کگل ایران و

اردوی قارص عثمانی ( بسمت شهر تغلیس شروع بتعرض نمودند و واسطه کمی وسایل قلبه هر دو اردویت از سه منزل جلو تر نرفته در حدود ( آخسقبه ) با روسها تماس و پس از يك حمله ناگهانی از طرف ارتش روس قشون عثمانی مجبور بر حجت میگردد و اردوی ایران تنهائی تمام روز مقاومت کرده بعد از غروب آنها نیز شروع به عقب نشینی می نمایند .

روز بعد سوار نظام روس در حدود شهر ( کمری ) عقبداران ایران را مورد هجوم قرار میدهد ولی در نتیجه با فشاری ایرانیان سواران روس عقب میروند .

پس از سه روز رحمت اردوی شوره کل ایران به ایران میرسد بعد از این تاریخ عباس میرزا تقیه قدیمه خود را تعقیب نموده تا آخر سال دستجات کوچک به نبردهای موضعی و غیر دائمی و ایلاتی مبادرت نمود . دشمن را دائماً شغول میساخت و پشت سر آنها همیشه مورد تهدید قرار میداد .

چنانچه در ۱۷ ربیع دستجات چریک بر قلبخانی به نواحی قره باغ حمله آورده اردوی مرکزی روس را مدت یکماه مستأصل نمودند و نیز در تاریخ ۳۰ ذیحجه ۱۲۲۶ بیست و دو دسته سوار نظام و مجاهد و چریک از راه های مختلف باز به نواحی قره باغ داخل شده تمام منطقه را غارت و آتش زدند و چنان پیش رفتند که بعضی از دستجات به محله جنوبی کهنجه هم رسیدند .

در خلال این اوقات خود عباس میرزا با پنجهزار نفر نظام جدید

مرتب با صنوف ثلاثه از سمت جنوب شرقی به قوه باغ هجوم کرد و در قره (سلطان رود) به ارتش روس رسید، پس از سه روز حمله هجوم فشار آنها را منهزم ساخت. چون مقصود دوی تعرض جدی نبود، با همین موفقیت اکتفا کرده در آخر هفته به اردو گاه دائمی خدا آفرین برگشت.

این تاخت و تازها از حیث مادی به ارتش روس خیلی گران تمام شده کلیه آذوقه و قورخانه را از دست دادند. بعد از این بواسطه سرمای شدید تا آخر سال در جنبه های طرفین - کونت حکمفرما بود.

## مبحث دهم - نبردهای سال ۱۲۲۷ هـ.

در روز یکشنبه هفتم شهر ربیع الاول زمستان

وضعیت طرفین  
و اتحاد سادس

غفلتاً تمام شده و یک هوای صاف و معتدل بهار

در میدان جدال قفقزیه عرض اندام کرد. ارتش

های طرفین به سال نهم جنک قدم گذارده برای مقاتله حاضر میشده اند.

یک ماه از اول سال بگذشت، زد و خورد ها در میدانهای پر عوارض

ادامه داشت. بمباردمان لنگران خسارت زیادی وارد آورد. تنها

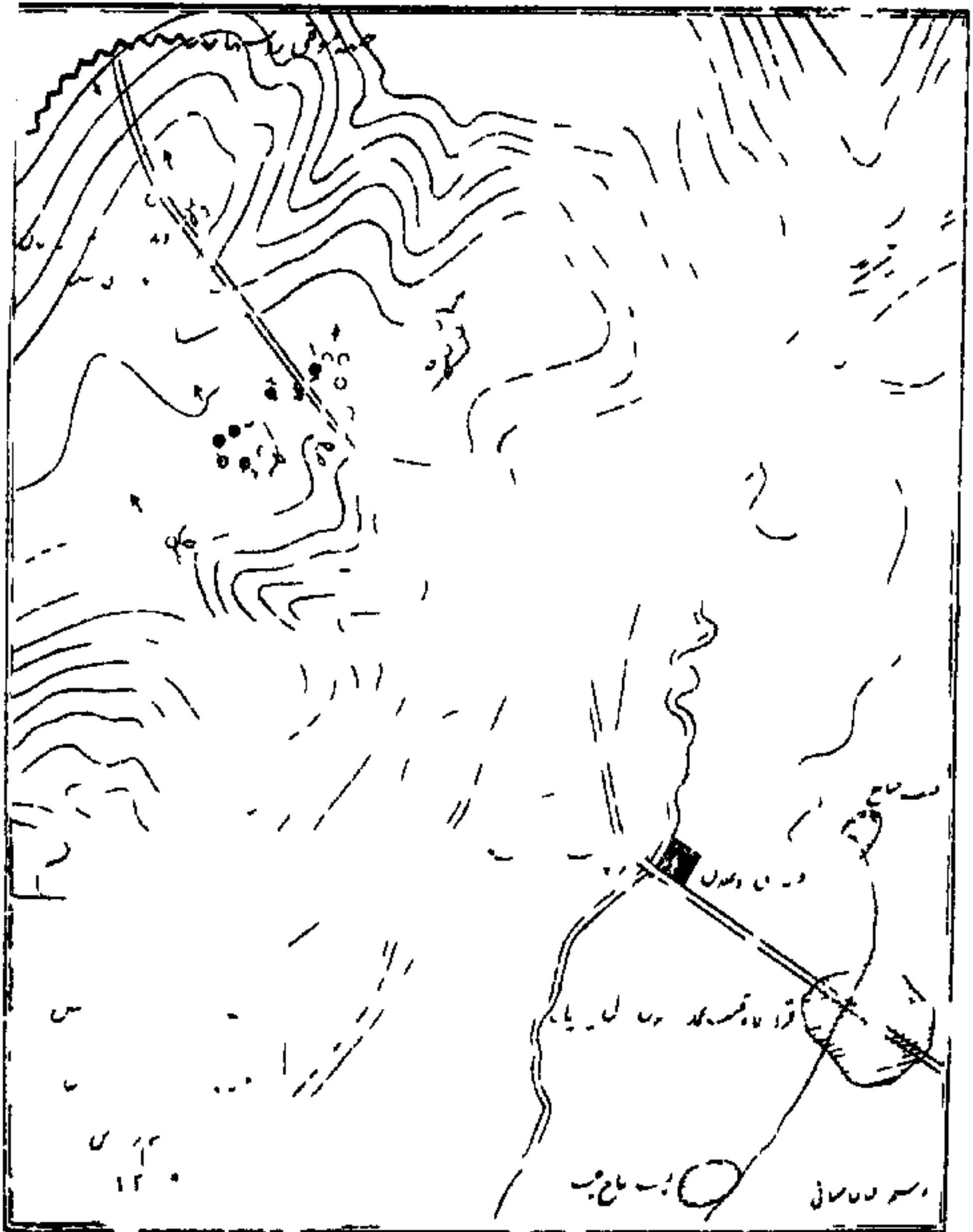
هشتادونه نفر از اهالی آنجا مقتول شده اند. غازیان در نتیجه بمباردمان

جهازات روس بکلی سوخت.

در خلال این اوقات (اوایل ماه دوم بهار) وضعیت سیاسی اروپا

بکلی عوض شد. رفتار انگلیسها در ایران بکلی تغییر کرد. فتحعلیشاه

باسفیر انگلیس «سیر کوراوولی بارونت» به آذربایجان رفته کار



معلمین انگیزی و نظام جدید را بازپرسی کنند و چون دولت انگلیس داخل اتحاد سادس شده ، لذا سفیر انگلیز همیشه به پادشاه ایران پیشنهاد صلح میکرد .

اتحاد سادس در اروپا بایک عظمت فوق العاده عرض اندام کرد . انگلیسها میخواستند که ایران هم جزو اتحاد سادس گردد ولی مصالحه فی مابین ایران و روس غیر ممکن بنظر میآمد . چه مدت نه سال طرفین در این جنگها تلفات فوق العاده داده و مخارج گزافی را متحمل شده بودند . بنابراین ایران اراضی از دست رفته را مطالبه و روسها خون بهای سربازان خود را طلب میکردند .

حقیقه در این تاریخها دول معظمه اروپا ر ضد پادشاه فرانسه « ناپلئون بناپارت » اتحاد سادس را تشکیل و انگلیسها و سوئدیها با تسار روس همدست شده اند ، « برنادوت » پادشاه سوئد به امید اینکه تسار روس کشور ( نوروژ ) را به او خواهد داد ، در این جنگ با او همراهی کرد . امپراطور دولت اتریش و هنگری و پادشاه دولت پروس با ناپلئون متحد بوده اند و ایران هم مجبوراً به اتحاد اتریش پروس فرانسه داخل شد . لیکن پادشاه اتریش هنگری در پنهان با الکساندر تسار ، عقد دوستی محکم کرده و وعده داده بود که از حال سکون خارج نخواهد شد و حمله ای بر ضد روسها نخواهد برد . « فردریک » پادشاه پروس هم تسار روس را بهمین طریق مطمئن ساخته و گفت ( بجان و دل دوستی و اتحاد را پایان خواهم برد ) در واقع در این اتحاد سادس فقط ایران و فرانسه تنها می ماندند .



« سرداران نظامی جدید » ایران در سال ۱۲۲۷ . ه  
 در اواخر ماه سوم سال ۱۲۲۷ . ه در کلیه قساطر جنگی  
 زده‌خورد ها شروع شد . در شوره گل حسین خان سردار ایروان  
 با اردوی شوره گل به حدود (کو کجه کول) تعرض کرد . وی تا



اواسط ماه چهارم سال به بعضی فتوحات نایل گشت .  
 در جبهه قره باغ نیز دستجات مستقل ایرانیان با روسها در  
 زدوخورد بوده اند اما در جبهه طالش وضعیت روز بروز خطرناکتر  
 میشد چه روسها از رود کورا عبور کرده به مراکز طالش پیش میآمدند  
 از طرف دیگر بحریه آنها اتصالاً سواحل طالش را بمباردمان کرده  
 و سیاسیون روس هم اهالی طالش را برضد دولت تحریک مینمودند .  
 در اواخر ماه چهارم سال عباس میرزا کلیه نیروی احتیاط را  
 از قصبه اهر بکمک اردوی طالش فرستاد .

اردوی طالش هم با روسها و هم با اهالی محل مدت سه ماه در  
 زدوخورد بود ، قلعه لنکران در این مدت از طرف ایرانیان محصور  
 گشت ، حسین خان طالش بواسطه کمک بحریه روس آنجا را چهارماه  
 مدافعه کرد ولی آخر سر تسلیم ارتش ایران شد و روسها با دادن تلفات  
 زیاد به کشتیهای خود فرار کردند و اردوی کورای روس هم بطرف  
 شمال رجعت کرده در ( آستاراخانکا ) به مدافعه پرداخت .

در خلال این اوقات وضعیت جبهه شوره گل بخطر افتاد . چه  
 دولت عثمانی با دولت روس صلح کرد یعنی وقتیکه ناپلئون مشغول تهیه  
 جنگ و حمله بر روسیه شد ، تسار با سلطان عثمانی در شهر بخارست ( در خاک  
 رومانی ) معاهده ای منعقد داشت .

بعد از آنکه دولت عثمانی از جنگ خارج شد ( ۱۶ - مه -  
 ۱۸۱۲ م ) کار بر ایرانیان بسیار سخت شد . چه جناح چپ صحنه

جنگ خالی شده راه حوضه آذربایجانی برای روسیان باز شد. در این موقع روسها با وضعیت موحشی بتلافی برداختند. چنانچه در قسمت علیای شوره کل اطفال خردسال را در آب جوش می انداختند و در سر کوچه های آبادیها چندین صد نفر مرد و زن را چهار میخ کشیدند که دوسه روز در همین حال مشغول جان دادن بوده اند. ( ۸ شعبان ۱۲۲۷ هـ )

چون اهالی محل همیشه بر ایرانیان کمک میکردند، لذا روسها میخواستند که در سر راه عملیات جنگی کسی زنده نماند و با کمال خاطر جمع جلو بروند حقیقتاً روسها با این ظلم و غداری توانستند آرامش را در مناطق جنگی برقرار سازند ولی آرامش و خموشی قهر بود. تمام کسانی که در شورش دخالت نموده بودند، دچار تعقیب و شکنجه و بالاخره اعدام میشده اند این وضع متجاوز از یکسال طول کشید.

عباس میرزا برای جلو گیری از این مظالم دشمن، اهالی زنده مانده را از صحنه جنگ هجرت داده به آذربایجان منتقل میساخت و بدین وسیله يك مخارج گزافی را متحمل شده، مجبور میشد از جیره ارتش به آنها غذا دهد.

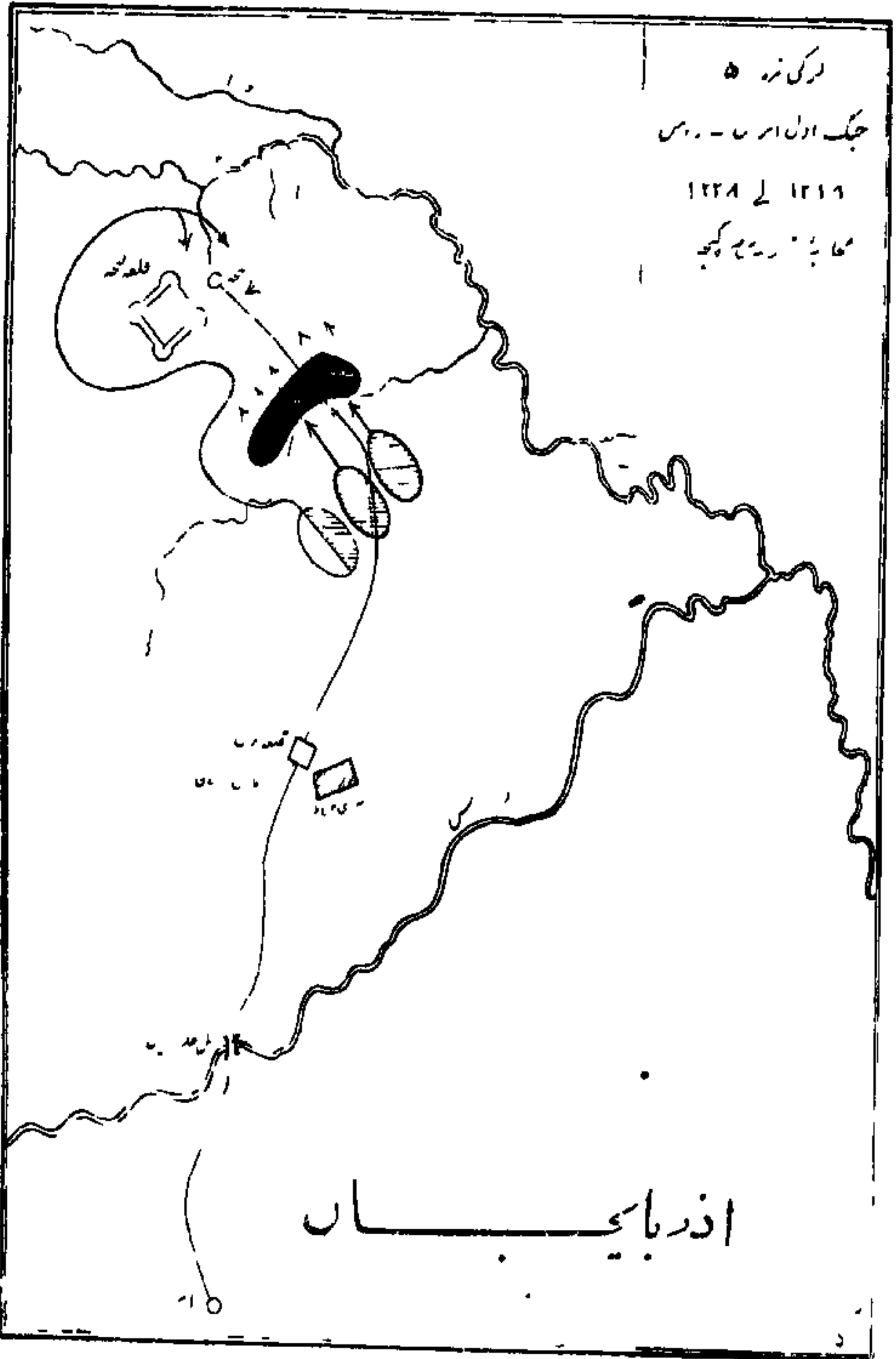
اما طولی نکشید این بیرحمی ها درشکی و کورا و کوجبه کول شورش جدیدی بر پا ساخت. چه آنچه مسلمان زنده مانده بود بر ضد روسها قیام کرده آنها را در هر نقطه مورد حمله انتقامانه قرار میدادند.

لرکی نرد ۵

جنگ اول ارمن - روس

۱۲۱۶ لے ۱۲۲۸

مخالف روسیہ کجی



در خلال این اوقات فرمانده ارتش روس تغییر کرد و ژنرال «رتیشچوف» فرمانده کل ارتش قفقازیه جنوبی انتخاب گشت و ایشان از امپراطور روس امر گرفته بود که همینطوری که با دولت عثمانی صلح شد؛ با ایران نیز صلح کرده و بعد با نصف ارتش بمقابله ناپلئون بیاید پیشنهاد ژنرال روس غیر قابل قبول بود. دولت ایران در مقابل فشار دولت انگلیس حاضر بود که با یک شرایط متوسطی که بر هر دو طرف ضرر نرساند، صلح نماید ولی فرمانده روس منطقه غیر اشغالی را هم مطالبه میکرد.

در خلال این اوقات جنگ روس و فرانسه در مغرب روسیه با کمال شدت ادامه داشت.

چون ناپلئون قدم بخاک روسیه نهاد خاک مقدس را که قدیم در کشور اسپانیا مشاهده کرده بود بار دیگر معاینه دید. دهقانان روس بدست خود محصولات را در خاک نهفته یا به آتش افکنده و دهات را طعمه حریق ساخته معبر ارتش فرانسه را صحرایی لم یزرع میکردند بدین شکل کار بر ای ناپلئون سخت شد.

در این هنگام از ناپلئون به عباس میرزا نامه رسید که در آن استدعای تعرض را میکرد و عباس میرزا هم بدون قوت وقت اردوی مرگزی را بحرکت داد.

این اردو با کمال سختی روبه فلات قره باغ آورد، پس از جافشانی به حدود شوشا رسید ولی با یک حمله متقابله روسها به (آق اوغلان) رجعت نمود. سه روز بعد «ژنرال کتیلر ووسکی»

شبانه به اردوگاه ایرانیان حمله ناگهانی کرده آنها را به طرف رود ارس عقب راند .

بعد از این عباس میرزا باز به نبرد های ایلاتی مبادرت کرده تمام سال با این وضع مشغول بود .

ناپلئون میخواست نخست ارتش روس را در هم شکند آنگاه در شهر مسکو صلح مظفرانه کند و از راه رود ( وولگا ) به کمک ایرانیان آمده و بعد باتفاق ارتش ایران به هندوستان حمله کند .

پیشرفت مجهول ارتش فرانسه در نظر پادشاه ایران مهم بود طولی نکشید فرانسویها شهر مهم مسکو را تصرف شدند . اما وطن خواهی و شاه دوستی روسها خیال ناپلئون را باطل کرد تمام مردم روسیه کینه مهاجمین را در دل گرفته برای انتقام میکوشیدند .

حساب ناپلئون غلط شد زمستان پنج هفته پیش از موعد عادی فرا رسید . در اواسط ماه اکتبر برفی ناگهان باریدن گرفت و امپراطور بعزیمت مجبور و روز ۱۹ اکتبر از شهر مسکو خارج شد .

رجعت اجباری قشون فرانسه از وسط خاک روسیه ارتش ایران را بخطر انداخت چه همینکه فرمانده ارتش قفقازیه روس عقب نشینی ارتش فرانسه را شنید در کلیه نقاط صحنه جنگ به ارتش ایران حمله کردند و حملات آنها تا آخر سال ۱۲۲۷ ادامه داشت ایرانیان با کمال سختی و فلاکت قدم قدم وطن را مدافعه میکردند .

## مبحث یازدهم - سال آخر جنگ

سنه ۱۲۲۸ هـ

پس از یازده ساعت و یازده دقیقه از شب یکشنبه  
 هفدهم ربیع الاول در سنه ۱۲۲۸ هـ خورشید  
 وضعیت سیاسی و نظامی طرفین  
 به حمل شد. ارتش ایران در زیر آتش دشمن  
 عید سال نور را گرفت. دولت در تمام نقاط کشور آنچه را بازو سوار و خود  
 بود، ایندفعه هم استکه به میدان جنگ احضار نمود ولی نه اسلحه و نه لباس  
 و نه قورخانه و نه آذوقه کافی وجود نداشت، کار بسختی رسید افسران  
 انگلیس بنا بر امر سفارت در تعلیم و تشکیل ارتش کوتاهی میکردند  
 چه دولت انگلیس با روسها متفق شده طرفدار صلح مابین ایران  
 و روس بود.

حادثه ناگوار روسیه همینطور که برای فرانسه فلاکت آور بود  
 از برای ایران هم خطر عظیم داشت.

روسها پس از خاتمه کار فرانسه ارتش قفقاز به را تقویت داده  
 ایران را تهدید میکردند و در تمام سرحدات شمال به تحریکات ملل  
 اقلیتها پرداختند. در ناحیه طالش چنان اغتشاش برپا نمودند، که  
 دولت مجبور شد برای تسکین این اختلال يك اردوی بزرگی بدان  
 سمت روانه کند و فرمانده ارتش نیز قرار گاه خود را به منطقه  
 طالش انتقال داده به نصبه (مشکین) آمد و امیرخان قاجار با نیروی احتیاط

از طریق (ارکوان) روان شد. واسمهیل خان قاجار شامبیاتی و صادق خان قاجار عزالدین لو باعده خود از راه (دریغ) و (زوند) مأمور شدند و لشکر گیلانی هم از طرف آستارا حنبش کرده روز هفتم شعبان ۱۲۲۸ هـ کلیه ستونها به منطقه لنکران شروع بتعرض کردند.

در خلال این اوقات روسها قریب سه هزار نفر سرباز به بندر مزبور پیاده کرده عده های باغی مصطفی خان طالش را تقویت کرده اند.

در خلال این اوقات يك اردوی کوچک روس هم از بل سالیانی عبور کرده و مستحفظین آن نقاط را مغلوب و بطرف جنوب شروع به پیشرفت نمود. مقصود این اردو، رسیدن به منطقه اکران بود. وقتیکه محاربات طالش با کمال شدت ادامه داشت، در حبه های قرة باغ و شوره کل هم تعرضات روسها شروع شد.

محاربات طالش مدت چهار ماه طول کشید و بالاخره روسها غلبه کرده تمام نواحی طالش را در سایه محریه خود به تصرف در آوردند.

وقتیکه در منطقه طالش محاربات سحت ادامه

داشت اردوی مرکزی روس از وضعیت استفاده

کرده شروع بتعرض نمود که کلیه سواران ایران

را از نواحی قرة باغ عقب رانده و از رود ارس گذشته جلگه اصلاندوز

قدم گذاردند. در این موقع عباس میرزا تازه باصلاندوز رسیده و در

محاربه  
اصلان دوز

مقابل روسها جبهه تشکیل و شروع بدفاع نمود تمام روز نبرد با کمال شدت ادامه داشت ، ژنرال « کنترووسکی » در روز اول ، محاربه بر ایرانیان غایب گرد ولی بواسطه حلول شب از فتوحات خود استفاده نکرد . روز بعد عباس میرزا با کلبه عده خود باردوی مرگزی روس تعرض کرد و در شمال آصلاندوز درهم شکست و آنانرا به ماوراء رود ارس فراری کرد ، آنگاه از پی خصم تاخته در محل (رکاب) مجدداً آنها رامنکوب و به پشت رود ارس افکند . اما افراد ارتش دشمن در همدا جا جانبازی و کوشش فوقالعاده میکردند .

در خلال این اوقات در منطقه شوره کل هم فی مابین طرفین زد و خورد های متعدد ادامه داشت

حسین خان سردار در این نبردها هم نصف عده خود را از دست داد .

در روز شنبه چهارم شعبان در تمام مناطق جنگی حدال بطور خونین شروع شد و در همه جا از تعرضات ارتشی روس جلوگیری شد

در طول مدت ماه رمضان به استثنای جبهه طالش در سایر جبههجات سکونت حکمفرما بود .

در خلال این اوقات اتحاد عظیم روس و اطربش و پروس و انگلیس که خیالی وقت تدارك آن بوده اند . صورت گرفت .



با وجود این فتوحات ، روسها بیمناک شده و دریافتند که در این  
صحنه جنگ کار عمده از پیش نتواند برد و از آنجا که وضعیت  
جنگهای اروپا معلوم نبود ، فرمانده ارتش ژنرال ردیشچوف ترك  
جنگ و میانجی گری سفیر انگلیس را پیشنهاد کرد . پادشاه ایران  
هم طالب صلح بود ولی نمیخواست از زحمات و فداکاریهای ده ساله  
سربازان خود چیز را ترك کند و چون در صدد بود که کلیه سواران  
ایلات را از سایر سرحدات باز پس آورد پیشنهاد متار که را پذیرفت  
معاهده گلستان پس از متار که جنگ بکار مصالحه دست زدند  
ابتدا در ۲۳ رمضان قرار دادی نوشته شد .

پس معاهده « گلستان » ( در قره باغ در کنار رودخانه زیوه من  
محل گلستان ) در تاریخ ۲۹ ماه شوال ۱۲۲۸ . ه . ( ۱۲ اکتبر  
۱۸۱۳ م ) منعقد گردید .

بموجب این معاهده جنگ اول ایران و روس که مدت ده سال  
( از ۱۲۱۸ . ه . الی ۱۲۲۸ . ه ) طول کشید ، خاتمه یافت از تمام  
مستعمرة قفقازیه جز ولایت قره باغ و شوره کل جائی برای ایران  
نماند . و روسها متعهد شدند که فوراً خاک قره باغ را ترك کند .  
اما منطقه طالش ، ناحیه باد کوبه و شکلی و شیروان و گنجه به روسها  
واگذار شد . از گرجستان و داغستان قطع علاقه گردیده ، حاکمیت  
دریای خزر به روسها منطبق گردید .

عهدنامه گلستان نتیجه تمام جنگهای ده ساله را بر ما داد  
روسیه فرمانهای ملامعارض دریای خزر و قفقازیه جنوبی شد.  
و سرحدات خود را به کوههای طالش و حوضه ارس و به جبال قره باغ  
و آلاکوز رسانید

انتهی

شیرازی